



مطالعه ی رابطه ی بین مولفه های راهبری شرکتی، عوامل حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی با محافظه کاری مشروط و نامشروط حسابداری (بررسی تطبیقی مدل های خان و واتس، و گیولی و هاین)

سمیرا هنربخش^۱

محمد حسین رنجبر^۲

علی امیری^۳

داوود خدادادی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۰

چکیده

در این پژوهش به بررسی تطبیقی رابطه ی بین مولفه های راهبری شرکتی، عوامل حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی با محافظه کاری مشروط و نامشروط حسابداری طبق مدل های خان و واتس (۲۰۰۹)، و گیولی و هاین (۲۰۰۰) پرداخته ایم. دوره ی زمانی پژوهش شامل دوره ی یازده ساله از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا انتهای سال ۱۳۹۷ می باشد. روش نمونه گیری بصورت حذفی است که در نهایت ۱۵۶ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده و برای تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرهای پژوهش از داده های تابلویی و مدل اثرات ثابت استفاده شده است.

نتایج آزمون مدل های پژوهش نشان می دهد که متغیرهای استقلال هیئت مدیره، دوره تصدی حسابرس و نسبت هزینه های اختیاری (به عنوان شاخص هزینه های نمایندگی) دارای رابطه ی مثبت و معنی دار با هر دو محافظه کاری مشروط و نامشروط می باشند. متغیرهای دوگانگی مدیرعامل و تمرکز مالکیت دارای رابطه ی منفی و معنی دار با محافظه کاری مشروط و فاقد رابطه ی معنی دار با محافظه کاری نامشروط هستند. همچنین متغیرهای اندازه ی هیئت مدیره، درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی، تغییر حسابرس، استقلال کمیته حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی و رشد فروش رابطه ی معنی داری با هر دو نوع محافظه کاری حسابداری ندارند. از جمله تفاوت عمده این دو مدل در متغیرهای سن شرکت و بازده دارایی هاست که نتیجه ی عکس در هر دو مدل محافظه کاری دارد؛ بدین گونه که شرکت های مسن تر و پربازده از لحاظ دارایی، دارای سطح محافظه کاری مشروط بیشتری هستند و بالعکس شرکت های جوانتر و کم بازده از لحاظ دارایی، سطح محافظه کاری نامشروط بیشتری دارند.

واژه های کلیدی: محافظه کاری مشروط و نامشروط حسابداری، مدل خان و واتس، مدل گیولی و هاین، راهبری شرکتی، عوامل حسابرسی.

۱- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس
Samirahonar@gmail.com

۲- استادیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (عهده دار مکاتبات)
Mhranjbar54@Iauba.ac.ir

۳- استادیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس
Amiri.study@gmail.com

۴- استادیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس
Khodadady47@gmail.com

۱- مقدمه

را در مقابل دعاوی حقوقی و قضایی علیه خود مصون نماید؛ در عمل نیز محافظه‌کاری حسابداری مورد تأیید حسابرسان بوده و رویه‌های محافظه‌کارانه‌ی بیشتری مورد حمایت آنان است (بال و همکاران، ۲۰۰۰). محافظه‌کاری حسابداری به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در میان طرف‌های قرارداد نیز کمک می‌کند (هو و همکاران، ۲۰۱۴).

عوامل مختلفی می‌توانند بر محافظه‌کاری حسابداری اثرگذار باشند. اما مهمترین عوامل درون شرکتی، فاکتورهای راهبری شرکتی هستند که تأثیر زیادی بر چگونگی اتخاذ تصمیمات، بکارگیری رویه‌های گوناگون، تصمیمات مرتبط با تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، توسط مدیریت می‌گذارند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود متغیرهای راهبری شرکتی از جمله مهمترین عواملی هستند که بر میزان بکارگیری محافظه‌کاری حسابداری توسط شرکت مؤثر باشند. همچنین متغیرهای مهم دیگر، تأثیر حسابرس مستقل و کمیته حسابرسی داخلی بر میزان تقاضای رویه‌های محافظه‌کار توسط شرکت است. عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران نیز سبب ایجاد تقاضا برای محافظه‌کاری حسابداری می‌گردد. لذا با توجه به اهمیت این متغیرها؛ هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی متغیرهای راهبری شرکتی (شامل اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل، تمرکز مالکیت، درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی)، عوامل مربوط به حسابرسی (تغییر حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال کمیته حسابرسی) و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی با محافظه‌کاری مشروط حسابداری طبق مدل خان و واتس (۲۰۰۹) و محافظه‌کاری نامشروط حسابداری طبق مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین صورت که یک بار محافظه‌کاری مشروط شرکت‌های نمونه را طبق مدل خان و واتس محاسبه و رابطه‌ی آن را با متغیرهای مستقل مورد سنجش قرار می‌دهیم و سپس محافظه‌کاری نامشروط شرکت‌های نمونه را طبق مدل گیولی و هاین محاسبه و رابطه‌ی آن را با متغیرهای مستقل

محافظه‌کاری حسابداری به معنای عدم تقارن در برخورد با ویژگی قابلیت تأیید درآمدها و هزینه‌ها به منظور شناسایی در متن صورت‌های مالی یا افشاء در یادداشت‌های همراه است (باسو، ۱۹۹۷). از آن‌جا که زیان‌ها باید به موقع شناسایی شوند، مدیران آگاهند که نمی‌توانند پیامدهای اقتصادی تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را به نسل بعدی مدیران منتقل کنند و باید عواقب تصمیماتشان را در طول دوره اجرایی خود تحمل نمایند؛ لذا محافظه‌کاری نقش مهمی در حل تضاد نمایندگی مدیریت ایفا می‌کند (امینو و عثمان حسن، ۲۰۱۶). محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های دارای مکانیزم حاکمیت شرکتی خوب، بالاتر است. شرکت‌ها با نسبت بیشتری از مدیران غیرموظف، زیان‌ها را به موقع‌تر از شرکت‌هایی که مدیران غیرموظف کمتری دارند، شناسایی می‌کنند (امران و عبدالمناف، ۲۰۱۴). یک هیئت‌مدیره مستقل، با اکثریت مدیران غیرموظف، یک مکانیزم حاکمیتی خوب برای محدود کردن تضاد منافع بین مدیران و سهامداران است (لو و وانگ، ۲۰۱۸). سرمایه‌گذاران نهادی نیز نقش بسیار بانفوذ در حاکمیت شرکت‌ها ایفا می‌کنند (لیو، ۲۰۱۹). همچنین سهامداران عمده نیز بر عملکرد سازمان و کیفیت گزارشگری مالی شرکت تأثیر گذاشته و این فرصت را دارند که مدیریت را وادار کنند تا منافع خصوصی آن‌ها را دنبال کنند و بنابراین محافظه‌کاری حسابداری با درجه نفوذ بزرگترین سهامدار بطور منفی رابطه دارد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). از طرفی اجازه دادن به مدیرعامل به عنوان رئیس هیئت‌مدیره به عنوان مدیریت ضعیف به شمار می‌رود، زیرا یک مدیر اجرایی با نقش دوگانه می‌تواند کنترل قابل توجهی روی تصمیمات هیئت‌مدیره داشته باشد (چی و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین مشاهده می‌شود که استقلال کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی توسط مدیریت مرتبط و از این رو احتمالاً تقاضای محافظه‌کاری بیشتری خواهند داشت (محمدیونس و همکاران، ۲۰۱۴). اعتقاد بر آن است که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند حسابرسان

می باشد. مدیران غیرموظف، با احتمال کمتری با مدیریت در سلب مالکیت سهامداران تباری می کنند. آن ها داورانی هستند که مدیریت ارشد را بازنگری و در صورت لزوم افراد مؤثرتری را جانشین مدیریت می کنند (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱). افزایش تعداد مدیران مستقل در هیئت مدیره می تواند منجر به افزایش محافظه کاری حسابداری شود (امران و عبدالمناف، ۲۰۱۴). در یک هیئت مدیره با مدیران مستقل بیرونی بیشتر، مدیران در قراردادهای کارآمدتر عمل خواهند کرد و مزایای گزارش حسابداری محافظه کار را بهتر درک کرده و بنابراین نیازمند گزارش های مالی محافظه کار بیشتری هستند (زیا و ژو، ۲۰۰۹).

• **دوگانگی مدیرعامل:** تئوری نمایندگی استدلال می کند از آن جایی که مسئولیت هیئت مدیره نظارت بر مدیریت از جمله مدیرعامل است، نقش مدیرعامل و عضو هیئت مدیره باید از هم جدا شود (محمد یونس و همکاران، ۲۰۱۴). جدایی سمت مدیرعامل و کرسی ریاست هیئت مدیره، شاخصی برای قدرت و انگیزه های نظارتی مدیر خارجی است، زیرا اگر مدیر اجرایی نیز رئیس هیئت مدیره باشد، آن ها احتمالاً تأثیر بیشتری بر انتصابات و گزینش ها نسبت به زمانی که این موقعیت ها از هم جدا باشند دارند (احمد و دوئل من، ۲۰۰۷). جدایی نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره را افزایش خواهد داد که نظارت بر مدیریت را بهبود می بخشد (زیا و ژو، ۲۰۰۹). چی و همکاران (۲۰۰۹) بیان کرده اند در شرکت هایی که دارای دوگانگی مدیرعامل هستند، محافظه کاری حسابداری بیشتر است.

• **تمرکز مالکیت:** اکثر مطالعات نشان می دهد که در مالکیت متمرکز بالاتر، میزان محافظه کاری حسابداری پایین تر است و شرکت هایی با مالکیت متمرکز، ترجیح می دهند عدم تقارن اطلاعاتی را از طریق اطلاعات خصوصی به جای اطلاعات مالی عمومی، حل کنند (سانگ، ۲۰۱۵). این مطالعات حاکی از آن است که سهامداران کنترلی تمایل دارند نقش منفعلانه ایفا کنند و منافع سهامداران اقلیت را

مورد سنجش قرار داده و در ادامه نتایج دو مدل را با یکدیگر مورد مقایسه قرار می دهیم. لذا هدف این است که بطور کلی مشخص نماییم در شرکت های نمونه زمانی که از محافظه کاری مشروط یا نامشروط حسابداری استفاده می کنند تأثیر و رابطه ی این متغیرها با دو نوع محافظه کاری چگونه است و شرکت ها از لحاظ این متغیرها چه رفتاری داشته اند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

محافظه کاری حسابداری به عنوان گرایش حسابداری به بکارگیری درجه ی بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد تعریف شده است (زیون چن و همکاران، ۲۰۱۳). عوامل گوناگونی مانند متغیرهای راهبردی شرکتی، عوامل حساسی و عدم تقارن اطلاعاتی می توانند بر بکارگیری محافظه کاری توسط مدیریت مؤثر باشند که مبانی آن ها به شرح زیر می باشد:

• **اندازه هیئت مدیره:** دو نگرش متفاوت در این مورد وجود دارد. یکی این است که هیئت مدیره های بزرگ به علت مشکلات هماهنگی و درگیر شدن با یک گروه بزرگتر نسبت به هیئت مدیره های کوچک کارایی کمتری دارند (جنسن، ۱۹۹۳). هیئت مدیره های بزرگ همچنین می توانند از مسأله "سواری مجانی" رنج ببرند به این معنی که هر عضو هیئت مدیره به اعضای دیگر برای نظارت بر مدیریت متکی است. دیدگاه دیگر این است که هیئت مدیره بزرگ اجازه می دهد که مدیران تخصص یابند و منجر به کمترین تخصیص وظیفه به هر مدیر می شود و تخصص بیشتر می تواند به نظارت مؤثرتر منجر شود (احمد و دوئل من، ۲۰۰۷). اما جنسن (۱۹۹۳) استدلال کرده است که مشکل هماهنگی برای اندازه هیئت مدیره بزرگ می تواند از مزایای آن فراتر رود. توسط برخی یافته های تجربی اثبات شده است که اندازه بزرگ هیئت مدیره بطور معکوس با محافظه کاری حسابداری مرتبط است (محمد یونس و همکاران، ۲۰۱۴).

• **استقلال هیئت مدیره:** استقلال، عامل مهمی در بالا بردن و تقویت نقش نظارتی اعضای هیئت مدیره

فرآیند حسابرس در ابعاد کلان می‌گردد (ملکیان و عبدی پور، ۱۳۹۳). کریشنان (۱۹۹۴) تأکید کرده است میان محافظه‌کاری و تغییر حسابرس رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و شرکت‌ها به دلیل نارضایتی از تأکید حسابرس بر بکارگیری رویه‌های محافظه‌کار حسابداری، اقدام به تغییر حسابرس می‌نمایند.

• **دوره تصدی حسابرس:** گروهی بر این باورند که افزایش دوره‌ی تصدی، منجر به کاهش محافظه‌کاری می‌شود. بنابراین در سال‌های نخستین کار حسابرسان با صاحبکاران جدید، احتمال دارد حسابرسان به علت ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه خود که ممکن است به دلیل عدم شناخت کافی از فعالیت‌های صاحبکار پدید آید، رویه‌های محافظه‌کارتری از سوی صاحبکاران خود درخواست کنند که نتایج پژوهش‌لی (۲۰۱۰) موافق با این دیدگاه است. در حالی که به باور گروهی دیگر، از آنجایی که حسابرسان جدید معمولاً فاقد شناخت کافی درباره فعالیت‌های تجاری و سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار هستند، مجبور می‌شوند بیشتر روی تصمیم‌های مدیران در رابطه با گزارشگری مالی اتکا کنند و در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که با رویه‌های فرصت طلبانه مدیران موافقت کنند. این امر می‌تواند منجر به کاهش استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه شود. نتایج پژوهش‌های جنکینز و ولوری (۲۰۰۶) موافق با این دیدگاه است (کرباسی یزدی و همکاران، ۱۳۹۳).

• **استقلال کمیته حسابرسی:** حامیان نظریه نمایندگی معتقدند که افزایش نسبت مدیران مستقل شرکت در یک کمیته حسابرسی احتمال سازش این کمیته در مورد انجام مسئولیت‌های کمیته را کاهش می‌دهد. افزون بر این، کمیته‌های حسابرسی مستقل‌تر به دلیل عدم جانبداری احتمالاً بهتر می‌توانند مسائل مهم حسابداری مالی نظیر کیفیت سود، مواجهه با حسابرس مستقل و میانجی‌گری اختلافات را رفع کنند (کلاین، ۲۰۰۲). تحقیقات نشان می‌دهند آن دسته از کمیته‌های حسابرسی که بخش اعظم آن‌ها را مدیران مستقل تشکیل می‌دهند به احتمال زیاد با استخدام حسابرسان متخصص در صنعت، بکارگیری

به دست بگیرند و مدیریت را وادار کنند تا منافع خصوصی بزرگترین سهامدار را دنبال کنند که ممکن است با منافع سهامداران اقلیت متفاوت باشد (لین و همکاران، ۲۰۱۸). یک سهامدار بزرگ، توانایی و انگیزه برای تأثیرگذاری بر ترکیب هیئت مدیره داشته و بنابراین تأثیر مستقیمی بر انتصاب و اخراج مدیران خواهد داشت. به این ترتیب، مدیریت به احتمال زیاد دستورالعمل‌های بزرگترین سهامدار را دنبال خواهد کرد تا جایگاه خود را حفظ کرده و پاداش اضافی بیشتری را به دست آورد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

• **مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی:** سرمایه‌گذاران نهادی نیز نیازمند اطلاعات به‌موقع و قابل اطمینان هستند که به آن‌ها امکان می‌دهد تا نظارت بهتری بر فعالیت‌های شرکت داشته و بر استراتژی‌های آن مشارکت نمایند (لیو، ۲۰۱۹). آلمازان و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی در نظارت بر هزینه‌های پاداش مدیران اجرایی نقش دارند. همین‌طور سرمایه‌گذاران نهادی شانس بیشتر و مهارت‌های بهتری برای برقراری ارتباط با شرکت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران فردی ناآگاه دارند. شواهد متقاعدکننده‌ای وجود دارد که شرکت‌هایی که توسط سرمایه‌گذاران نهادی بیشتر اداره می‌شوند، بیشتر محافظه‌کارند (چی و همکاران، ۲۰۰۹).

• **تغییر حسابرس:** از دید طرفداران تغییر ادواری حسابرس، مدت تصدی طولانی حسابرس، بی‌طرفی و استقلال وی را خدشه‌دار می‌نماید. از سوی دیگر، مخالفان تغییر ادواری حسابرس بر این اعتقادند که این امر منجر به افزایش هزینه حسابرسی شده و انگیزه‌های حسابرسان در پذیرش حسابرسی صنایع خاص را کاهش می‌دهد. ضمن آن‌که به دلیل کاهش شناخت حسابرس از صاحبکار، کیفیت حسابرسی نیز کاهش می‌یابد. برخی دیگر از صاحب‌نظران نگاه افراطی‌تری داشته و عنوان می‌کنند که تغییر ادواری حسابرسان اعتماد سرمایه‌گذاران به قابلیت اتکای صورت‌های مالی را کاهش داده و منجر به عدم دستیابی حسابرس جایگزین به اهداف حسابرسی می‌گردد، که این امر، به نوبه خود منجر به کاهش اعتبار

سودهای گزارش شده ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

نتایج تحقیق رضازاده و خانی لنگلی (۱۳۹۴) در مورد ۱۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۱ حاکی از وجود رابطه منفی بین محافظه کاری حسابداری و درصد مالکیت بزرگترین سهامدار می‌باشد و زمانی که درصد سهام بزرگترین سهامدار بیش از ۳۰٪ باشد، این رابطه قوی‌تر است.

جنکینز و ولوری (۲۰۰۶) یک رابطه مثبت بین محافظه کاری در درآمد گزارش شده و طول رابطه حسابرسی و مشتری را نشان می‌دهند. آن‌ها به منظور عملیاتی کردن محافظه کاری از مدل‌های باسو و بال و شیواکومار بهره بردند. علاوه بر این برای آزمون خطی بودن رابطه ی دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری، نمونه انتخابی خود را بر اساس دوره تصدی به سه گروه دوره تصدی کوتاه، متوسط و طولانی تقسیم و مشاهده نمودند که شاخص محافظه کاری در این سه گروه در حال افزایش است. در مجموع، یافته‌های آن‌ها مبین این موضوع بود که چرخش اجباری حسابرسی ممکن است اثر معکوسی روی محافظه کاری سود داشته باشد.

احمد و دوئلمن (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "محافظه کاری حسابداری و مشخصات هیئت مدیره"، مستند کرده‌اند که درصد مدیران موظف با محافظه کاری رابطه منفی دارد. از طرفی ضرایب متغیرهای جدایی مدیرعامل و اندازه هیئت مدیره در این پژوهش قابل توجه نیستند.

رامالینگ گودا و یو (۲۰۱۲)، طی تحقیقی با عنوان "مالکیت نهادی و محافظه کاری"، دریافتند که مالکیت بالاتر توسط مؤسساتی که بر مدیران نظارت می‌کنند، با گزارشگری مالی محافظه کارتر ارتباط دارد. امران و عبدالمناف (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان "استقلال هیئت مدیره و محافظه کاری حسابداری" طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ در مالزی به این نتیجه رسیدند که یک هیئت مدیره با مدیران مستقل بیرونی بیشتر، نیازمند گزارش‌های مالی

واحد حسابرسی داخلی در بنگاه و محافظه کاری بیشتر در حسابداری، می‌توانند کیفیت گزارش‌دهی مالی بنگاه‌ها را بهبود بخشند (گودوین، ۲۰۰۳). مشاهده می‌شود استقلال کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی توسط مدیریت مرتبط و از این رو احتمالاً تقاضای محافظه کاری بیشتری خواهند داشت (محمدیونس و همکاران، ۲۰۱۴).

• **عدم تقارن اطلاعاتی:** محافظه کاری حسابداری می‌تواند به عنوان یک مکانیسم برای تعادل منافع مدیران و سهامداران و کاهش اثرات عدم تقارن اطلاعاتی عمل کند (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). دامنه فاصله قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام نمایشگر سطح عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفین معامله می‌باشد و فرض می‌شود هرچه توزیع اطلاعات در بازار به صورت نامساوی و از کانال غیر رسمی انجام شود، دامنه عدم تقارن اطلاعاتی نیز بیشتر باشد. لافوند و واتس (۲۰۰۸) رابطه بین محافظه کاری وعدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را بررسی نمودند آن‌ها به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری به عنوان واکنشی متوازن نسبت به عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه است و شواهدی را نشان می‌دهند که محافظه کاری با درجه عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبت دارد.

۳- مروری بر ادبیات موجود

نتایج تحقیق ملکیان و عبدی‌پور (۱۳۹۳)، با بررسی ۶۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ و با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین تغییر مؤسسه حسابرسی و گزارشگری سودهای محافظه کارانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

نتایج پژوهش کرباسی یزدی و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی ۱۳۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی چهار سال ۱۳۹۰-۱۳۸۷ با استفاده از رگرسیون چند متغیره و داده‌های تابلویی بیانگر آن است که بین دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری در

کاهش دهند و متمایز کردن مدیران با توجه به مهارت‌ها و توانایی‌های آن‌ها برای درک چگونگی تأثیرگذاری هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری بسیار مهم است.

لیو (۲۰۱۹)، با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۹۰۴۶ مشاهدات از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ در شرکت‌های چینی نشان می‌دهد شرکت‌های پذیرفته شده با مالکیت مستقل بالاتر، دارای سطح کمتری از محافظه‌کاری نامشروط هستند.

یافته‌های نیشتیمین و همکاران (۲۰۱۹)، در طی بازه زمانی ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۵ در بورس ترکیه، حاکی از این است که رابطه‌ی ویژگی‌های هیئت‌مدیره (اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و وجود زنان در هیئت‌مدیره) و ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی (استقلال کمیته و تخصص) با محافظه‌کاری حسابداری منفی است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

(۱) بین عوامل مربوط به راهبری شرکتی از قبیل اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل، تمرکز مالکیت، درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با محافظه‌کاری مشروط و نامشروط حسابداری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

(۲) بین عوامل مربوط به حسابرسی مانند تغییر حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال کمیته حسابرسی با محافظه‌کاری مشروط و نامشروط حسابداری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

(۳) بین عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران با محافظه‌کاری مشروط و نامشروط حسابداری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۵- روش پژوهش

این تحقیق از جهت همبستگی و روش‌شناسی از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی است و از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است. برای تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرهای پژوهش از داده‌های تابلویی و مدل اثرات ثابت استفاده شده است. داده‌های مورد

محافظه‌کار بیشتری هستند. همچنین افزایش درصد مدیران مستقل در هیئت‌مدیره، منجر به بهبود محافظه‌کاری حسابداری می‌شود.

محمد یونس و همکاران (۲۰۱۴)، در تحقیقی با عنوان "تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت داخلی بر محافظه‌کاری حسابداری" با تجزیه و تحلیل داده‌های پانل برای ۳۰۰ شرکت ثبت شده مالزی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ به این نتیجه رسیدند که اندازه هیئت‌مدیره با محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ای ندارد.

مدح مرزوقی و همکاران (۲۰۱۶)، بر مبنای نمونه‌ای از ۳،۱۸۳ مشاهده‌ی سال - شرکت در دوره سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ در مالزی دریافتند که دو ویژگی کمیته‌حسابرسی، یعنی استقلال و تخصص مالی کمیته‌حسابرسی، بعد از سال ۲۰۰۷ محافظه‌کاری سود را افزایش می‌دهد.

ریکت و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی ارتباط بین تصدی حسابرسان و محافظه‌کاری در شرکت‌های یونان پرداخته‌اند. یونان نه تنها نرخ بالای مدیریت سود را دارد، بلکه تحت قوانین جدید کمیسیون اروپا ملزم به چرخش اجباری حسابرس می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که محافظه‌کاری با افزایش رابطه بین حسابرس و مشتری کاهش می‌یابد.

لینو همکاران (۲۰۱۸)، با استفاده از نمونه‌ای از تمام شرکت‌های ذکر شده در بورس اوراق بهادار تایوان طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴، استدلال می‌کنند که شرکت‌ها با مالکیت متمرکز ترجیح می‌دهند عدم تقارن اطلاعاتی را از طریق اطلاعات خصوصی به جای اطلاعات مالی عمومی، حل کنند و بر این اساس، تقاضای محافظه‌کاری حسابداری را کاهش می‌دهند.

اناج و گارسیامکا (۲۰۱۹)، در پژوهش‌ها نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های فعال بیوتکنولوژی آمریکا که بطور گسترده در بورس اوراق بهادار نایس، آمکس و نزدکدر دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ معامله شده‌اند، تأیید می‌کنند که همه مدیران غیرموظف در فعالیت نظارتی و قراردادی به یک اندازه مؤثر نیستند و انواع خاصی از مدیران غیرموظف مانند سیاستمداران، حتی می‌توانند حساسیت درآمدها را نسبت به اخبار بد

نیاز پژوهش از طریق مشاهده کتابچه ها و اسناد و مدارک، شامل اطلاعات صورت های مالی و یادداشت های همراه ارائه شده توسط شرکت ها، جمع آوری گردیده و روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه ای می باشد. داده های مالی مورد نیاز پژوهش، از نرم افزارهای موجود مانند ره آورد نوین، سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران^۱، سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران سازمان بورس^۲ (کدال)، سایت مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس^۳ استخراج گردیده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ی یازده ساله از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا انتهای سال ۱۳۹۷ می باشد. در انجام این پژوهش از اطلاعات سال - شرکت، به روش مقطعی استفاده می شود و روش نمونه گیری از نوع حذفی است. بدین ترتیب که شرکت ها باید قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران مورد پذیرش قرار گرفته باشند. سال مالی شرکت ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد. شرکت ها نباید سال مالی خود را طی دوره زمانی تحقیق تغییر داده باشند. اطلاعات مورد نیاز و حساسیتی شده ی شرکت ها در دوره مورد نظر و یک دوره قبل از آن در دسترس باشند. بانک ها، مؤسسات مالی، شرکت های سرمایه گذاری و بیمه ای به دلیل تفاوت در ماهیت تجاری از نمونه حذف می گردند که در نهایت ۱۵۶ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده است.

زیان محافظه کاری مشروط که محافظه کاری پس-رویدادی یا وابسته به اخبار نیز خوانده می شود، به مفهوم شناسایی به موقع تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در صورت سود و زیان است (باسو، ۱۹۹۷). از طرفی، محافظه کاری نامشروط یا پیش رویدادی و مستقل از اخبار، از بکارگیری آن دسته استانداردهای حسابداری ناشی می شود که سود را به گونه ای مستقل از اخبار اقتصادی کاهش می دهند و ایده ی گرایش رو پیش رویش های تسریعی استهلاک، ذخایر انباشته مازاد بر هزینه های آتی مورد انتظار، شناسایی فوری زیان در قراردادهای پیمانکاری (راچ و تیلور، ۲۰۱۵). طبق این دیدگاه، محافظه کاری یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می شود (نیکومرام و زرافشان، ۱۳۸۷).

۶-۱- مدل محافظه کاری مشروط خان و واتس (۲۰۰۹)

خان و واتس (۲۰۰۹)، مجموعه ای از ویژگی های شرکت شامل نسبت ارزش بازار به دفتری، اندازه و اهرم، که معمولاً به عنوان شاخصی برای مجموعه فرصت های سرمایه گذاری شرکت (IOS) مورد استفاده قرار می گیرد و منجر به محافظه کاری می شود را انتخاب کرده اند و مدل باسو (۱۹۹۷) را با استفاده از C-SCORE توسعه دادند که بصورت زیر می باشد:

(۱)

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{i,t} + (\mu_1 + \mu_2 SIZE_{i,t} + \mu_3 MTB_{i,t} + \mu_4 LEV_{i,t}) * RET_{i,t} + (\lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{i,t} + \lambda_3 MTB_{i,t} + \lambda_4 LEV_{i,t}) * DR_{i,t} * RET_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 DR_{i,t} * SIZE_{i,t} + \beta_8 DR_{i,t} * MTB_{i,t} + \beta_9 DR_{i,t} * LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

سود هر سهم شرکت i تقسیم بر قیمت سهام ابتدای سال t = $\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$

۶-۲ مدل های محافظه کاری حسابداری و مدل های پژوهش

محافظه کاری حسابداری به دو نوع محافظه کاری مشروط و نامشروط طبقه بندی می گردد (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵). محافظه کاری مشروط زمانی اتفاق می افتد که سیستم حسابداری نیازمند درجه ای بالاتر از تأییدپذیری برای شناخت اخبار خوب از اخبار بد باشد، مانند برخورد نامتقارن با احتمال وقوع سود یا

$c\text{-score}$ بالاتر بودن این مقدار نشان‌دهنده‌ی بالاتر بودن درجه‌ی محافظه‌کاری است که بموقع بودن اخبار بد را نشان می‌دهد (گارسسیالارا و همکاران، ۲۰۱۶؛ خلیفا و همکاران، ۲۰۱۸).

پس از برآورد مدل (۱)، مقادیر ضرایب مورد نیاز جهت محاسبه‌ی $c\text{-score}$ از آن استخراج می‌گردد و با جایگذاری ضرایب حاصله در فرمول (۴)، درجه محافظه‌کاری مشروط حسابداری برای هر شرکت در هر سال، به صورت یک عدد مستقل محاسبه می‌شود.

• مدل سنجش محافظه‌کاری مشروط پژوهش

در نهایت برای سنجش رابطه‌ی متغیرهای مستقل با محافظه‌کاری مشروط حسابداری، مدل سنجش محافظه‌کاری مشروط پژوهش بصورت زیر تعریف می‌شود:

شود:

(۵)

$$c\text{-score}_{i,t} = B_0 + B_1 BDS_{i,t} + B_2 BID_{i,t} + B_3 BCD_{i,t} + B_4 Owncon + B_5 Inst_{i,t} + B_6 Achange_{i,t} + B_7 Tenure_{i,t} + B_8 ACID_{i,t} + B_9 Spread_{i,t} + B_{10} Age_{i,t} + B_{11} ROA_{i,t} + B_{12} Salegrow_{i,t} + B_{13} OPT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$c\text{-score}_{i,t}$ = درجه محافظه‌کاری مشروط حسابداری؛
 $BDS_{i,t}$ = اندازه هیئت مدیره؛ $BID_{i,t}$ = استقلال هیئت مدیره؛ $BCD_{i,t}$ = دوگانگی مدیرعامل؛
 $Owncon_{i,t}$ = تمرکز مالکیت؛ $Inst_{i,t}$ = درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی؛ $Achange_{i,t}$ = تغییر حسابرس؛
 $Tenure_{i,t}$ = دوره تصدی حسابرس؛ $ACID_{i,t}$ = استقلال کمیته حسابرسی؛ $Spread_{i,t}$ = عدم تقارن اطلاعاتی؛
 $Age_{i,t}$ = سن شرکت؛ $ROA_{i,t}$ = بازده دارایی‌ها؛
 $Salegrow_{i,t}$ = رشد فروش؛ $OPT_{i,t}$ = نسبت هزینه‌های اختیاری.

۶-۲ مدل محافظه‌کاری نامشروط گیولی و هاین

(۲۰۰۰)

گیولی و هاین (۲۰۰۰) روشی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری نامشروط حسابداری با استفاده از اقلام

$RET_{i,t}$ = بازده سالانه ناشی از خرید و نگهداری سهام در طول سال مالی که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود (سیه و همکاران، ۲۰۱۸):

(۲)

$$RET_{i,t} = \frac{(P_t - P_{t-1}) + D_t}{P_{t-1}}$$

P_t = قیمت سهام در پایان دوره t ؛ P_{t-1} = قیمت سهام در ابتدای دوره t ؛ D_t = منافع حاصل از مالکیت سهام که در دوره t به سهامداران تعلق گرفته است که در این فرمول به شکل سود نقدی می‌باشد. اگر در خصوص منافع حاصل از مالکیت سهام، افزایش سرمایه از محل اندوخته یا افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده‌ی نقدی وجود داشته باشد فرمول بصورت زیر محاسبه می‌شود:

(۳)

$$RET_{i,t} = \frac{D_t + P_t(1 + \alpha + \beta) - (P_{t-1} + c\alpha)}{P_{t-1} + c\alpha}$$

α = درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده‌ی نقدی؛ β = درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته؛ c = مبلغ اسمی پرداخت شده توسط سرمایه‌گذار بابت افزایش سرمایه از محل آورده‌ی نقدی و مطالبات. $DR_{i,t}$ = یک متغیر مجازی است وقتی $0 < RET_{i,t}$ است مقدار آن برابر ۱ خواهد بود. همچنین هنگامی $RET_{i,t} \leq 0$ باشد مقدار آن صفر است. هرگاه بازده سهام منفی باشد، فرض می‌شود که اخبار بد درباره‌ی آینده را منعکس می‌نماید.

$SIZE_{i,t}$ = از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های پایان دوره بدست می‌آید (امینو و عثمان حسن، ۲۰۱۶). $MTB_{i,t}$ = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام. $LEV_{i,t}$ = یکنسبت اهرمی است که نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها می‌باشد (سیه و همکاران، ۲۰۱۸).

(۴)

$$C\text{-SCORE} = \beta_3 = \lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{i,t} + \lambda_3 MTB_{i,t} + \lambda_4 LEV_{i,t}$$

$$\begin{aligned} Unconserv_{i,t} = & B_0 + B_1 BDS_{i,t} + B_2 BID_{i,t} \\ & + B_3 BCD_{i,t} + B_4 Owncon \\ & + B_5 Inst_{i,t} \\ & + B_6 Auchange_{i,t} \\ & + B_7 Tenure_{i,t} + B_8 ACID_{i,t} \\ & + B_9 Spread_{i,t} + B_{10} Age_{i,t} \\ & + B_{11} ROA_{i,t} \\ & + B_{12} Salegrow_{i,t} \\ & + B_{13} OPT_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

$Unconserv_{i,t}$ = درجه محافظه کاری نامشروط
حسابداری؛ $BDS_{i,t}$ = اندازه هیئت مدیره؛
 $BID_{i,t}$ = استقلال هیئت مدیره؛ $BCD_{i,t}$ = دوگانگی
مدیرعامل؛ $Owncon_{i,t}$ = تمرکز مالکیت؛ $Inst_{i,t}$ = درصد
مالکیت سرمایه گذاران نهادی؛ $Auchange_{i,t}$ = تغییر
حسابرس؛ $Tenure_{i,t}$ = دوره تصدی حسابرس؛
 $ACID_{i,t}$ = استقلال کمیته حسابرسی؛ $Spread_{i,t}$ = عدم
تقارن اطلاعاتی؛ $Age_{i,t}$ = سن شرکت؛ $ROA_{i,t}$ = بازده
دارایی ها؛ $Salegrow_{i,t}$ = رشد فروش؛ $OPT_{i,t}$ = نسبت
هزینه های اختیاری.

۷- متغیرهای پژوهش

۷-۱- متغیرهای وابسته

در این پژوهش درجه محافظه کاری مشروط و نامشروط حسابداری متغیرهای وابسته می باشند که در مدل خان و واتس بصورت c-score، و در مدل گیولی و هاین بصورت Unconserv محاسبه می شوند.

۷-۲- متغیرهای مستقل

- (۱) اندازه هیئت مدیره^۴: لگاریتم طبیعی تعداد مدیران هیئت مدیره می باشد (محمد یونس و همکاران، ۲۰۱۴؛ کالکار، ۲۰۱۶). از بین شرکت های نمونه، ۳۱ شرکت دارای ۶ یا ۷ مدیر عضو هیئت مدیره و ۱۲۵ شرکت دارای ۵ یا کمتر از ۵ مدیر عضو هیئت مدیره می باشند.
- (۲) استقلال هیئت مدیره^۵: از نسبت تعداد مدیران غیرموظف در هیئت مدیره به کل مدیران محاسبه می گردد (امران و عبدالمناف، ۲۰۱۴).
- (۳) دوگانگی مدیرعامل^۶: اگر مدیر عامل، نقش ریاست یا نایب رئیس هیئت مدیره را نیز به عهده داشته

تعهدی غیرعملیاتی ارائه نمودند، طبق این روش، وجود مستمر ارقام تعهدی غیرعملیاتی منفی در طی یک دوره زمانی بلندمدت در شرکت ها، معیاری از محافظه کاری به شمار می رود. یعنی هر چه میانگین ارقام تعهدی غیرعملیاتی طی دوره مربوط منفی و بیشتر باشد، محافظه کاری بیشتر خواهد بود. از آن جا که مقادیر کوچکتر (منفی تر) ارقام تعهدی، نشانگر سطوح بالاتر محافظه کاری هستند، برای همسو کردن جهت مقادیر جبری ارقام تعهدی غیرعملیاتی با میزان محافظه کاری، از قرینه ی این ارقام استفاده شده است.

(۶)

$$Unconserv_{i,t} = \frac{nonoperating\ accruals_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \times (-1)$$

$Unconserv_{i,t}$: درجه محافظه کاری نامشروط؛ $TA_{i,t-1}$: ارزش دفتری دارایی های ابتدای دوره
Nonoperating accruals: ارقام تعهدی غیرعملیاتی
(کل ارقام تعهدی به غیر از استهلاک منهای ارقام تعهدی عملیاتی) که از فرمول زیر محاسبه می گردد:
(لیو، ۲۰۱۹). (۷)

ارقام تعهدی غیرعملیاتی

$$\begin{aligned} &= \text{کل ارقام تعهدی قبل از استهلاک} \\ &- \text{(ارقام تعهدی عملیاتی)} \\ &= \text{هزینه استهلاک} + \text{سود خالص} \\ &- \text{(جریان نقد عملیاتی)} \\ &- \text{حساب های دریافتی } (\Delta) \\ &+ \text{موجودی ها } \Delta \\ &+ \text{پیش پرداخت هزینه ها } \Delta \\ &- \text{حساب های پرداختی } \Delta \\ &- \text{(مالیات های پرداختی } \Delta) \end{aligned}$$

• مدل سنجش محافظه کاری نامشروط پژوهش

پس از محاسبه ی شاخص محافظه کاری طبق مدل گیولی و هاین، از مدل زیر برای بررسی روابط بین متغیر محافظه کاری نامشروط حسابداری با دیگر متغیرها استفاده می گردد. (۸)

حسابرسی واحد مورد نظر پرداخته است، مد نظر می‌باشد.

۸) استقلال مدیران کمیته حسابرسی^{۱۱}: از نسبت مدیران غیرموظف عضو کمیته حسابرسی بدست می‌آید (محمد یونس و همکاران، ۲۰۱۴).

۹) عدم تقارن اطلاعاتی^{۱۲}: برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، مدلی را که ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) برای تعیین دامنه‌ی قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام طراحی کرده‌اند بکار برده‌ایم. مدل یاد شده به شرح زیر است:

$$SPREAD_{i,t} = \frac{(AP - BP) * 100}{(AP + BP)/2} \quad (9)$$

$SPREAD_{i,t}$ = دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام i در دوره‌ی t .

AP: میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام i در دوره‌ی t .

BP: میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام i در دوره- t .

طبق مدل بالا هر چه دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگتری باشد، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. در آزمون فرضیه‌ها، قدر مطلق عدد حاصل از این مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد (جهانگیرنیا و همکاران، ۱۳۹۶).

۷-۳- متغیرهای کنترل

با توجه به تفاوت عمده شرکت‌ها در سن، که برخی دارای سن زیاد و برخی دارای سن کم هستند، و همچنین تفاوت در میزان دارایی‌ها، مقدار فروش و میزان هزینه‌های نمایندگی، و تأثیرگذاری این متغیرها بر میزان استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه توسط مدیریت و همچنین تأثیر احتمالی بر روابط بین متغیرهای مستقل و محافظه‌کارانه حسابداری؛ جهت خنثی کردن اثر آن‌ها، این متغیرها را به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته‌ایم.

باشد، به عنوان دوگانگی مدیر عامل قلمداد می‌گردد. بنابراین بصورت یک متغیر فرضی است که اگر نقش ترکیبی رئیس-مدیر عامل، وجود داشته باشد متغیر یک و در غیر این صورت متغیر صفر را به خود می‌گیرد (محمد یونس و همکاران، ۲۰۱۴؛ کالکار، ۲۰۱۶).

۴) تمرکز مالکیت^۷: درصد سهام متعلق به بزرگترین سهامدار شرکت می‌باشد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

۵) درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی^۸: کل سهام نگهداری شده بوسیله سرمایه‌گذاران نهادی تقسیم بر کل سهام در جریان می‌باشد (احمد و دوئلمن، ۲۰۰۷؛ کالکار، ۲۰۱۶).

۶) تغییر حسابرس^۹: یک متغیر مجازی است بصورتی-که برای شرکت‌هایی که در سال مورد بررسی حسابرس خود را تغییر داده‌اند مقدار یک و برای شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند مقدار صفر به خود می‌گیرد (ملکیان و عبدی پور، ۱۳۹۳). تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ شورای عالی بورس و اوراق بهادار الزام می‌کند: مؤسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، بار دیگر سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت قبلی را بپذیرند. پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص یادشده پس از سپری شدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است.

۷) دوره تصدی حسابرس^{۱۰}: تعداد سال‌هایی که حسابرس (مؤسسه حسابرسی) به استخدام واحد مورد رسیدگی درآمده است (لی، ۲۰۱۰). ضوابط مؤسسات حسابرسی و بازرسان قانونی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار تهران در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۳ به تصویب شورای بورس رسیده است. لذا در این پژوهش تعداد سال‌هایی که حسابرس از سال ۱۳۷۹ و همچنین پس از پذیرش واحد مورد رسیدگی در بورس اوراق بهادار تهران، به

چگونگی کنترل هزینه های عملیاتی توسط مدیران را اندازه گیری می کند و به عنوان معیار مستقیم هزینه های نمایندگی بکار می رود که از تقسیم جمع هزینه های اداری، توزیع و فروش به جمع دارایی های پایان دوره بدست می آید (چالاک و همکاران، ۱۳۹۴).

(۱) سن شرکت^{۱۳}: تعداد سال های عمر شرکت پس از پذیرش در بورس اوراق بهادار (چی و همکاران، ۲۰۰۹).

(۲) بازده دارایی ها^{۱۴}: نسبت سودآوری است که از تقسیم سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه به کل دارایی های پایان دوره بدست می آید (ایاتریدیس، ۲۰۱۱).

(۳) رشد فروش^{۱۵}: از تقسیم تغییرات فروش به فروش اول دوره محاسبه می شود (گاریسیا لارا و همکاران، ۲۰۱۶).

(۴) نسبت هزینه های اختیاری^{۱۶}: این نسبت می تواند معیاری از افراط گرایی مدیریت در انجام هزینه های اختیاری باشد. نسبت هزینه های اختیاری،

۸- یافته های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش به شرح جدول ۱ ارائه گردیده است. نزدیکی میانگین و میانه بیانگر متقارن بودن توزیع داده هاست.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	ماکسیمم	مینیمم	انحراف استاندارد	تعداد مشاهدات
اندازه هیئت مدیره	۰,۷۰۱۷۴۲	۰,۶۹۸۹۷۰	۰,۸۴۵۰۹۸	۰,۶۰۲۰۶۰	۰,۰۲۱۲۳۹	۱۷۱۶
استقلال هیئت مدیره	۰,۶۴۴۲۱۶	۰,۶	۱	۰	۰,۱۸۸۸۰۲	۱۷۱۶
دوگانگی مدیرعامل	۰,۲۶۳۹۸۶	۰	۱	۰	۰,۴۴۰۹۲۰	۱۷۱۶
تمرکز مالکیت	۰,۵۰۸۷۴۱	۰,۵۱	۰,۹۹	۰,۰۲	۰,۲۰۳۷۸۴	۱۷۱۶
درصد مالکیت نهادی	۰,۷۱۷۸۲۷	۰,۸	۰,۹۹۱	۰,۰۱	۰,۲۵۹۷۹۰	۱۷۱۶
تغییر حسابرس	۰,۲۳۶۰۱۴	۰	۱	۰	۰,۴۲۴۷۵۵	۱۷۱۶
دوره تصدی حسابرس	۵,۰۴۴۲۸۹	۳	۱۹	۱	۴,۳۶۹۶۹۶	۱۷۱۶
استقلال کمیته حسابرسی	۰,۳۳۵۰۰۶	۰	۱	۰	۰,۳۷۹۶۲۱	۱۷۱۶
عدم تقارن اطلاعاتی	۰,۴۰۶۰۴۸	۰,۰۸۸۸۰۵	۷,۶۱۲۹۳۵	۰,۰۰۰۱۰۱	۰,۷۱۱۸۳۷	۱۷۱۶
سن شرکت	۱۶,۸۹۱۶۱	۱۵	۵۰	۱	۸,۶۳۲۷۶۸	۱۷۱۶
بازده دارایی ها	۰,۱۳۲۳۳۵	۰,۱۱۳۷۶۹	۰,۷۴۵۴۶۱	-۰,۵۴۰۴۴۰	۰,۱۴۹۰۹۶	۱۷۱۶
رشد فروش	۰,۲۱۵۰۷۶	۰,۱۵	۵,۲۱	-۰,۸۷	۰,۴۴۶۹۵۵	۱۷۱۶
نسبت هزینه های اختیاری	۰,۰۵۹۷۲۴	۰,۰۴۹۶۱۷	۰,۳۴۵۲۰۵	۰,۰۰۲۷۲۳	۰,۰۴۰۴۴۳	۱۷۱۶
نسبت سود هر سهم به قیمت هر سهم	۰,۱۳۹۶۸۵	۰,۱۲۴۴۱۴	۶,۴۶	-۲,۰۲۰۰۰۷	۰,۲۸۰۰۸۱	۱۷۱۶
متغیر مجازی DR	۰,۴۳۸۲۲۸	۰	۱	۰	۰,۴۹۶۳۱۴	۱۷۱۶
بازده سالانه سهام	۰,۳۲۹۲۸۶	۰,۰۷۲۳۰۹	۸,۹۸۸۸۱۶	-۰,۹۱۳۷۳۹	۰,۹۴۴۷۹۸	۱۷۱۶
اندازه شرکت	۶,۰۶۰۶۴۳	۵,۹۸۷۱۸۳	۸,۵۸۷۷۰۱	۴,۳۵۶۵۰۴	۰,۶۷۸۳۶۲	۱۷۱۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۲,۳۰۸۰۸۹	۲,۰۵۲۷۴۶	۸۷,۰۶۹۹۹	-۱۴۵,۵۹۲۵	۶,۵۰۴۷۱۱	۱۷۱۶
نسبت اهرمی	۰,۵۹۴۸۱۱	۰,۶۰۴۱۷۷	۲,۱۲۴۳۱۴	۰,۰۴۶۹۰۵	۰,۲۱۰۷۰۶	۱۷۱۶
محافظه کاری نامشروط	-۰,۰۴۴۴۷۹	-۰,۰۳۴۱۶۸	۱,۰۶۱۸۴۵	-۱,۳۰۸۲۶۱	۰,۱۷۱۶۸۸	۱۷۱۶

۸-۲- آزمون مدل خان و واتس

سپس با استفاده از فرمول ۴، درجه محافظه‌کاری مشروط حسابداری (c-score) جهت آزمون فرضیات، محاسبه می‌شود.

ابتدا مدل ارائه شده توسط خان و واتس (مدل ۱) آزمون می‌شود و مقادیر λ از مدل استخراج می‌گردد.

جدول ۲: نتیجه آزمون مدل خان و واتس

متغیرهای مستقل	ضریب	مقدار ضرایب	آماره T	احتمال
عرض از مبدأ	β_0	۰,۷۸۵۱۷۶	۵,۶۱۶	**۰,۰۰۰
DR	β_1	-۰,۱۳۱۷۹۶	-۲,۲۵۴	**۰,۰۲۴۳
RET	μ_1	۰,۰۲۱۵۹۳	۴,۰۳۱۲	**۰,۰۰۰
SIZE*RET	μ_2	۰,۰۲۵۸۵۴	۳,۶۹۳	**۰,۰۰۰۲
MTB*RET	μ_3	-۰,۰۰۵۸۳۶	-۲,۴۶۲	**۰,۰۱۳۹
LEV*RET	μ_4	-۰,۰۵۲۷۳۹	-۲,۲۳۰	**۰,۰۲۵۸
DR*RET	λ_1	۰,۰۸۱۳۶۳	۵,۴۸۳	**۰,۰۰۰
SIZE*DR*RET	λ_2	۰,۰۷۳۹۴۷	۳,۰۷۴	**۰,۰۰۲۱
MTB*DR*RET	λ_3	۰,۰۳۲۲۹۲	۴,۲۴۷	**۰,۰۰۰
LEV*DR*RET	λ_4	-۰,۱۵۱۸۲۸	-۱,۹۸۶	**۰,۰۴۸۲
SIZE	β_4	-۰,۰۷۴۹۱۳	-۳,۴۹۷	**۰,۰۰۰۵
MTB	β_5	-۰,۰۰۳۴۲۳	-۱,۲۹۷	۰,۱۹۴۷
LEV	β_6	-۰,۳۶۶۳۴۹	-۱۰,۴۰۳	**۰,۰۰۰
SIZE*DR	β_7	۰,۰۲۳۳۴۰	۲,۴۶۵	**۰,۰۱۳۸
MTB*DR	β_8	۰,۰۰۱۸۳۵	۰,۳۵۵	۰,۷۲۲۲
LEV*DR	β_9	-۰,۰۱۰۸۴۲	-۰,۳۰۶	۰,۷۵۹۰
ضریب تعیین تعدیل شده	٪۶۱	آماره دوربین واتسون	۱,۶۲۸	
آماره F فیشر	۱۸,۶۵۲	احتمال آماره F	۰,۰۰۰	

** در سطح احتمال ۵٪ معنی دار هستند.

رگرسیون استفاده کرد. با توجه به مقادیر بدست آمده λ_1 الی λ_4 از جدول می‌توان مقادیر c-score را محاسبه کرد که آمار توصیفی آن به شرح زیر است:

طبق نتایج آزمون، بر اساس مدل اثرات ثابت، معناداری آماره فیشر صفر است و بیانگر معناداری کلی مدل برآورد شده است. آماره دوربین واتسون برابر با ۱,۶ است و چون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، فرض عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته شده و می‌توان از نتایج

جدول ۳: آمار توصیفی c-score

متغیر	میانگین	میانه	ماکسیمم	مینیمم	انحراف استاندارد	تعداد مشاهدات
c-score	۰,۰۲۲۸۱۱	۰,۰۲۱۴۷۱	۰,۱۵۴۵۱	-۰,۳۷۶۶۶۶	۰,۳۵۹۷۴	۱۷۱۶

مدیرعامل، تمرکز مالکیت، دوره تصدی حسابرس، سن شرکت، بازده دارایی‌ها و نسبت هزینه‌های اختیاری در سطح ۵٪ معنادارند و با محافظه‌کاری مشروط حسابداری رابطه‌ی معنادار دارند.

۸-۳- نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه‌کاری

مشروط پژوهش

نتایج آزمون، بر اساس مدل اثرات ثابت، نشان می‌دهد که متغیرهای استقلال هیئت مدیره، دوگانگی

جدول ۴: نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه کاری مشروط حسابداری

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره T	احتمال
عرض از مبدأ	۰,۰۳۵۳۹۰	۲,۶۷۴۹۷۶	**۰,۰۰۳۶
اندازه هیئت مدیره	-۰,۰۱۶۴۸۳	-۰,۹۴۴۲۴۶	۰,۳۴۵۲
استقلال هیئت مدیره	۰,۰۰۳۵۹۳	۱,۹۷۵۲۹۲	**۰,۰۴۴۱
دوگانگی مدیرعامل	-۰,۰۰۴۸۱۶	-۱,۹۹۶۰۹۰	**۰,۰۳۲۹
تمرکز مالکیت	-۰,۰۰۵۶۵۷	-۲,۲۱۶۵۵۰	**۰,۰۰۶۸
درصد مالکیت نهادی	۰,۰۰۶۹۲۵	۰,۶۳۳۲۴۱	۰,۵۰۸۵
تغییر حسابرِس	۰,۰۰۰۸۲۸	۰,۸۳۱۵۵۷	۰,۴۰۵۸
دوره تصدی حسابرِس	۰,۰۳۳۹۴۵	۲,۷۷۳۷۸۲	**۰,۰۰۲۹
استقلال کمیته حسابرِس	۰,۰۰۰۲۴۶	۰,۱۳۸۲۱۲	۰,۸۹۰۱
عدم تقارن اطلاعاتی	-۰,۰۰۰۱۸۸	-۰,۴۱۰۱۵۴	۰,۶۸۱۷
سن شرکت	۰,۰۰۴۵۸۹	۲,۱۹۷۶۲۹	**۰,۰۰۹۴
بازده دارایی ها	۰,۰۰۱۰۷۰	۱,۹۹۵۸۰۴	**۰,۰۳۳۲
رشد فروش	۰,۰۰۱۱۵۶	۱,۲۸۹۵۹۷	۰,۱۹۷۴
نسبت هزینه های اختیاری	۰,۰۱۹۴۱۵	۲,۱۲۵۸۰۲	**۰,۰۱۳۷
ضریب تعیین تعدیل شده	٪۶۸	آماره دوربین واتسون	۱,۵۶۴۶۷۰
آماره F فیشر	۳۸,۷۴۷۷۳	احتمال آماره F	۰,۰۰۰

** در سطح احتمال ۵٪ معنی دار هستند.

های اختیاری در سطح ۵٪ معنادارند و با محافظه کاری نامشروط حسابداری رابطه ی معنادار دارند. معناداری آماره فیشر صفر است و بیانگر معناداری کلی مدل برآورد شده است. نتایج نشان می دهد که متغیرهای مستقل حدود ۵۱٪ از تغییرات متغیر محافظه کاری نامشروط حسابداری را تبیین می کنند. آماره دوربین واتسون برابر با ۱,۹ است و چون این آماره در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، فرض عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته شده و استقلال باقیمانده ها را می پذیریم. نتیجه آزمون مدلسنجش محافظه کاری نامشروط پژوهش به شرح زیر است:

(۱۱)

$$Unconserv_{i,t} = 0.190579 + 0.33624 BID_{i,t} + 0.002383 Tenure_{i,t} - 0.0023 Age_{i,t} - 0.788402 ROA_{i,t} + 0.362260 OPT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نتایج مقایسه ای آزمون دو مدل به شرح جدول ۶ می باشد.

معناداری آماره فیشر صفر است و بیانگر معناداری کلی مدل برآورد شده است. نتایج نشان می دهد که متغیرهای مستقل حدود ۶۸٪ از تغییرات متغیر محافظه کاری مشروط حسابداری را تبیین می کنند. آماره دوربین واتسون برابر با ۱,۵۶ است و چون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، فرض عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته شده و می توان از نتایج رگرسیون استفاده کرد. نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه کاری مشروط پژوهش به شرح زیر است: (۱۰)

$$c - score_{i,t} = 0.035390 + 0.003593 BID_{i,t} - 0.004816 BCD_{i,t} - 0.005657 Owncon_{i,t} + 0.0033945 Tenure_{i,t} + 0.004589 Age_{i,t} + 0.001070 ROA_{i,t} + 0.019415 OPT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۸-۴- نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه کاری نامشروط پژوهش

نتایج آزمون بر اساس مدل اثرات ثابت، نشان می دهد که متغیرهای استقلال هیئت مدیره، دوره تصدی حسابرِس، سن شرکت، بازده دارایی ها و نسبت هزینه -

جدول ۵: نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه کاری نامشروط حسابداری

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره T	احتمال
عرض از مبدأ	۰,۱۹۰۵۷۹	۲,۰۷۵۰۴۱	**۰,۰۳۸۱
اندازه هیئت مدیره	-۰,۲۳۴۷۹۰	-۱,۹۴۲۳۶۶	۰,۰۵۷۶
استقلال هیئت مدیره	۰,۰۳۳۶۲۴	۲,۱۱۲۹۲۲	**۰,۰۳۴۸
دوگانگی مدیرعامل	-۰,۰۰۱۳۳۰	-۰,۱۴۶۲۸۶	۰,۸۸۳۷
تمرکز مالکیت	-۰,۰۱۰۱۰۰	-۰,۲۵۴۶۰۴	۰,۷۹۹۱
درصد مالکیت نهادی	۰,۰۳۰۶۶۸	۱,۳۴۷۳۵۴	۰,۱۷۸۱
تغییر حسابرس	۰,۰۰۷۹۵۹	۱,۴۲۹۲۸۲	۰,۱۵۳۱
دوره تصدی حسابرس	۰,۰۰۲۳۸۳	۱,۹۹۵۰۵۳	**۰,۰۴۶۲
استقلال کمیته حسابرسی	۰,۰۱۱۹۴۹	۱,۴۲۷۸۸۹	۰,۱۵۳۵
عدم تقارن اطلاعاتی	-۰,۰۰۴۱۲۵	-۱,۵۸۷۳۴۸	۰,۱۱۲۶
سن شرکت	-۰,۰۰۰۲۳	-۲,۷۷۷۷۰۲	**۰,۰۰۵۵
بازده دارایی‌ها	-۰,۰۷۸۸۴۰۲	-۲۲,۲۶۶۴۵	**۰,۰۰۰
رشد فروش	-۰,۰۱۷۵۹۸	-۱,۶۰۵۰۰۲	۰,۱۰۸۷
نسبت هزینه‌های اختیاری	۰,۳۶۲۲۶۰	۴,۶۹۵۲۸۵	**۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۵۱٪	آماره دوربین واتسون	۱,۹۲۷۸۲۵
آماره F فیشر	۱۱,۶۲۸۹۵	احتمال آماره F	۰,۰۰۰

**در سطح احتمال ۵٪ معنی دار هستند.

جدول ۶: نتایج مقایسه‌ای آزمون دو مدل

متغیر	رابطه با محافظه کاری مشروط حسابداری طبق مدل خان و واتس	رابطه با محافظه کاری نامشروط حسابداری طبق مدل گیولی و هاین
اندازه هیئت مدیره	رابطه ندارد	رابطه ندارد
استقلال هیئت مدیره	مثبت و معنی‌دار	مثبت و معنی‌دار
دوگانگی مدیرعامل	منفی و معنی‌دار	رابطه ندارد
تمرکز مالکیت	منفی و معنی‌دار	رابطه ندارد
مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	رابطه ندارد	رابطه ندارد
تغییر حسابرس	رابطه ندارد	رابطه ندارد
دوره تصدی حسابرس	مثبت و معنی‌دار	مثبت و معنی‌دار
استقلال کمیته حسابرسی	رابطه ندارد	رابطه ندارد
عدم تقارن اطلاعاتی	رابطه ندارد	رابطه ندارد
سن شرکت	مثبت و معنی‌دار	منفی و معنی‌دار
بازده دارایی‌ها	مثبت و معنی‌دار	منفی و معنی‌دار
رشد فروش	رابطه ندارد	رابطه ندارد
نسبت هزینه‌های اختیاری	مثبت و معنی‌دار	مثبت و معنی‌دار

۹- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی متغیرهای راهبری شرکتی، عوامل مربوط به حسابرسی عدم تقارن اطلاعاتی با محافظه کاری مشروط حسابداری طبق مدل خان و واتس (۲۰۰۹) و محافظه کاری

نامشروط حسابداری طبق مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه کاری مشروط نشان می‌دهد که در شرکت‌های نمونه، متغیرهای استقلال هیئت مدیره، دوره تصدی

مشروط بیشتر و به سطح محافظه کاری نامشروط کمتری دارند.

در یک هیئت مدیره غالب با مدیران مستقل بیرونی بیشتر، مدیران در قراردادهای کارآمدتر عمل خواهند کرد و مزایای گزارش حسابداری محافظه کار را بهتر درک می کنند (زیا و ژو، ۲۰۰۹). از طرفی جدایی سمت مدیر عامل و کرسی ریاست هیئت مدیره، شاخصی برای قدرت و انگیزه های نظارتی مدیر مستقل است، زیرا اگر مدیر اجرایی نیز رئیس هیئت مدیره باشد، آن ها احتمالاً تأثیر بیشتری بر انتصابات و گزینش ها نسبت به زمانی که این موقعیت ها از هم جدا باشند دارند (احمد و دونلمن ۲۰۰۷). جدایی نقش دو گانه، استقلال هیئت مدیره را افزایش خواهد داد که نظارت بر مدیریت را بهبود می بخشد. علاوه بر این، مدیران داخلی تمایل به سلب مالکیت از سهامداران اقلیت خارجی دارند، چنین تفکیکی، سطح حمایت از سهامداران را افزایش می دهد (زیا و ژو، ۲۰۰۹). همچنین اگر یک سهامدار بزرگ منفرد، نفوذ کافی داشته باشد، این سهامدار می تواند ترکیب هیئت مدیره را که توانایی منصوب یا رد مدیران را دارد، تعیین کند. به این ترتیب، مدیریت به احتمال زیاد دستورالعمل های بزرگترین سهامدار را دنبال خواهد کرد تا جایگاه خود را حفظ کرده و پاداش اضافی بیشتری را به دست آورد. اگر بین منافع بزرگترین سهامداران و دیگر سهامداران کوچک تر اختلافی وجود داشته باشد، مدیران بیشتر به خواسته های سهامدار بزرگ توجه بیشتری می کنند. برای پیشگیری سایر سهامداران از رفتارهای سلب مالکیت، بزرگترین سهامداران ممکن است مدیران را برای ارائه گزارش های مالی مطلوب تر با ارائه "اخبار خوب" به موقع تر از "اخبار بد" وادار نمایند (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). لذا با توجه به رابطه ی متغیرهای استقلال هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل، تمرکز مالکیت و دوره تصدی حسابرس با محافظه کاری حسابداری، پیشنهاد می شود سازمان های مسئول در استاندارد گذاری، جهت حمایت از حقوق سهامداران اقلیت، این عوامل را مدنظر قرار دهند. در حقیقت مدیران غیراجرایی در

حسابرس، سن شرکت، بازده دارایی ها و نسبت هزینه های اختیاری دارای رابطه ی مثبت و معنی دار با محافظه کاری مشروط حسابداری و متغیرهای دوگانگی مدیرعامل و تمرکز مالکیت دارای رابطه ی منفی و معنی دار با محافظه کاری مشروط هستند؛ همچنین متغیرهای اندازه ی هیئت مدیره، درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی، تغییر حسابرس، استقلال کمیته حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی و رشد فروش رابطه ی معنی دار با محافظه کاری حسابداری دارند.

نتیجه آزمون مدل سنجش محافظه کاری نامشروط نشان می دهد که در شرکت های نمونه، متغیرهای استقلال هیئت مدیره، دوره تصدی حسابرس، نسبت هزینه های اختیاری دارای رابطه ی مثبت و معنی دار با محافظه کاری نامشروط حسابداری، و متغیرهای سن شرکت و بازده دارایی ها رابطه ی منفی و معنی دار با محافظه کاری نامشروط حسابداری، و متغیرهای اندازه ی هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل، تمرکز مالکیت، درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی، تغییر حسابرس، استقلال کمیته حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی و رشد فروش رابطه ی معنی دار با محافظه کاری نامشروط حسابداری ندارند.

تفاوت دو روش بدین صورت است که متغیرهای سن شرکت و بازده دارایی ها با محافظه کاری مشروط حسابداری رابطه ی مثبت و با محافظه کاری نامشروط حسابداری رابطه ی منفی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی مدیرعامل و تمرکز مالکیت دارای رابطه ی منفی با محافظه کاری مشروط حسابداری و فاقد رابطه ی معنی دار با محافظه کاری نامشروط حسابداری هستند. رابطه ی بقیه متغیرها با هر دو مدل محافظه کاری مشابه یکدیگر است. بطور کلی طبق نتایج آماری، در شرکت هایی که استقلال هیئت مدیره، تصدی بلند مدت حسابرس و هزینه های نمایندگی بیشتر است تمایل به هر دو نوع محافظه کاری مشروط و نامشروط وجود دارد. از طرفی شرکت های مسن تر و پربازده از لحاظ دارایی، تمایل به سطح محافظه کاری

۵) کرباسی یزدی، حسین؛ یدالله نوری فرد و حسن چناری بوکت، (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط دوره تصدی حسابرس با محافظه‌کاری در سودهای گزارش شده، دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۹۵-۱۱۲، ۵۵.

۶) ملکیان، اسفندیار و فرازنده عبدی پور، (۱۳۹۳)، "رابطه بین تغییر موسسه حسابرسی و گزارشگری سودهای محافظه کارانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۷۳-۱۵۷.

۷) نیکومرام، هاشم و حسین زرافشان، (۱۳۸۷)، "بررسی محتوای اطلاعاتی شاخص محافظه‌کاری حسابداری در پیش بینی سود و جریان نقدی آتی"، حسابداری مدیریت، سال اول، پیش شماره دوم، ۳۳-۱۷.

- 8) Ahmed, A.S., S. Duellman, (2007), "Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis", *Journal of Accounting and Economics*, 43, 411-437.
- 9) Ahmed, A. S., B. K. Billings, R. M. Morton, M. StanfordHarris, (2002), "The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-Shareholder Conflicts Over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs", *The Accounting Review*, 77(4), 867-890.
- 10) Almazan, A., Hartzell, J.C., Starks, L.T., (2005), "Active institutional shareholders and costs of monitoring: evidence from executive compensation", *Financial Management*, 34 (4), 5-34.
- 11) Aminu, L; S. Usman Hassan, (2016), "Accounting Conservatism and Investment Efficiency of Listed Nigerian Conglomerate Firms", *Scholedge International Journal of Business Policy & Governance*, Vol.03, Issue 11, 167-177.
- 12) Amran, N.A.; K.B. Abdul Manaf, (2014), "Board independence and accounting conservatism in Malaysian companies", *Social and Behavioral Sciences*, 164, 403 - 408.
- 13) Ball R, L. shivakumar, (2005), "Earnings quality in uk private firms: comparative loss recognition timeliness", *journal of accounting & economics*; 39: 83-128.

نظارت بر مدیران و حفاظت از منافع سهامداران و در نتیجه کاهش مشکل نمایندگی مؤثرتر هستند. از طرفی با توجه به این که نسبت هزینه‌های اختیاری به عنوان شاخصی از هزینه‌های نمایندگی دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد، مقرراتی جهت کنترل بر هزینه‌های نمایندگی تنظیم گردد.

در این پژوهش به دلیل محدودیت در خصوص حجم شدن متغیرهای پژوهش، عوامل دیگری مانند نرخ تورم، نوسان نرخ ارز، عوامل فرهنگی، که می‌تواند بر نگرش مدیریت در بکارگیری محافظه‌کاری حسابداری تأثیرگذار در نظر گرفته نشده‌اند که پیشنهاد می‌گردد تأثیر این عوامل نیز بصورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و توسط پژوهشگران مد نظر قرار بگیرد.

فهرست منابع

- ۱) جهانگیرنیا، حسین؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و حمیدرضا وکیلی فرد، (۱۳۹۶)، "تأثیر کیفیت افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر عدم تقارن اطلاعاتی"، حسابداری مدیریت، سال دهم، شماره ۳۳، ۱۲-۱.
- ۲) چالاک، پری؛ بهمن قادری و مهدی کفعمی، (۱۳۹۴)، "عدم تقارن اطلاعاتی و سرمایه‌فکری: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۱، ۲۷-۱.
- ۳) رهنمای رودپشتی، فریدون؛ هیبتی، فرشاد؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله و سیدعلی نبوی چاشمی، (۱۳۹۱)، "ارائه الگوی سنجش تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران"، حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره دوازدهم، ۱۰۰-۷۹.
- ۴) رضازاده، جواد و حمیدرضا خانی لنگلی، (۱۳۹۴)، "تأثیر تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری حسابداری"، دانش حسابداری مالی، دوره دوم، شماره ۲، ۵۳-۳۳.

- conservative earnings"? Working paper, University of Delaware. 15.
- 26) Jensen, M.C, (1993), "The modern industrial revolution, exit and failure of internal control systems", *Journal of Finance*, 48 (3): 831-880.
- 27) Kalelkar, R., (2016), "Audit committee diligence around initial audit engagement", *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 33, 59-67.
- 28) Khalifa, M., Ben Othman, H., Hussainey, K.H., (2018), "The effect of ex ante and ex post conservatism on the cost of equity capital: A quantile regression approach for MENA countries", *Research in International Business and Finance*, 44, 239-255.
- 29) Klein, A, (2002), "Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, No. 3, PP. 375-400.
- 30) Krishnan, J., (1994). "Auditor Switching and Conservatism", *The Accounting Review*, 69, 200-215.
- 31) Khan, M., Watts. R., (2009), "Estimation and Empirical Properties of a Firm Year Measure of Accounting Conservatism", *Journal of Accounting and Economics*, 48: 132-150.
- 32) Laffond, R. and Watts, R.L. (2008), "The Information Role of Conservatism", *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.
- 33) Li, D, (2010), "Does auditor tenure affect accounting conservatism?", *Journal of Accounting. Public Policy*, Vol. 29, Issue 2, 226-241.
- 34) Lin, L, (2016), "Institutional ownership composition and accounting conservatism", *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Springer, vol. 46, Issue (2), 359-385.
- 35) Lin, C.M., Chan, M.L., Chien, I. H., Li, K.H., (2018), "The relationship between cash value and accounting conservatism: The role of controlling shareholders", *International Review of Economics and Finance*, 55, 233-245.
- 36) Liu, S, (2019), "The impact of ownership structure on conditional and unconditional conservatism in China: Some new evidence", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, vol. 34, pp 49-68.
- 37) Lu, J; W, Wang, (2018), "Managerial conservatism, board independence and
- 14) Ball, R; S. P, Kothari; A, Robin, (2000), "The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings", *Journal of Accounting & Economics*; 29 (1): 1-51.
- 15) Basu, S. (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", *Journal of Accounting and Economics*, 24: 3-37.
- 16) Chi, W; C, Liu; T, Wang., (2009), "What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective", *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 5, 47-59.
- 17) Cullinan, C.P; F, Wang; P, Wang; J, Zhang, (2012), "Ownership structure and accounting conservatism in China", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21, 1-16.
- 18) Enache, L; E, Garciaa-Meca, (2019), "Board Composition and Accounting Conservatism: The Role of Business Experts, Support Specialist and Community Influentials", *Australian Accounting Review*, No. 88, Vol. 29, Issue 1, 252-265.
- 19) Garcia Lara, J.M., B, García Osma; F, Penalva, (2016), "Accounting conservatism and firm investment efficiency", *Journal of Accounting and Economics*, 61, 221-238.
- 20) Givoly, D., Hayn, C. (2000), "The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?", *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287-320.
- 21) Goodwin, J, (2003), "The Relationship between the Audit Committee and the Internal Audit Function: Evidence from Australia and New Zealand", *International Journal of Auditing*, Vol. 7, No. 3, PP. 263-78.
- 22) Hsieh, C.C; Z, Ma; K.E, Novoselov, (2018), "Accounting conservatism, business strategy, and ambiguity", *Accounting, Organizations and Society*, vol 74, 41-55.
- 23) Hu, J., A, Yuansha Li; F, Zhang, (2014), "Does accounting conservatism improve the corporate information environment?", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 23, 32-43.
- 24) Iatridis, G.E, (2011), "Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism", *International Review of Financial Analysis*, 20, 88-102.
- 25) Jenkins, D. and U. Velury, (2006), "Does auditor tenure impact the reporting of

- corporate innovation”, *Journal of Corporate Finance*, 48, 1–16.
- 38) Madah Marzuki, M; E.A. Abdul Wahab, H. Haron, (2016) "Corporate governance and earnings conservatism in Malaysia", *Accounting Research Journal*, Vol. 29 Issue: 4, 391-412.
- 39) Mohamed Yunos, R; S, Ahmar Ahmad; N, Sulaiman, (2014), "The influence of internal governance mechanisms on accounting conservatism", *Social and Behavioral Sciences*, 164, 501 – 507.
- 40) Nishtiman H; K.N.I, Ku Ismail; N.A, Amrani (2019), "Corporate Governance and Accounting Conservatism: The Moderating Role of Family Ownership", *Finance, Accounting and Business Analysis*, 1(1), 1-12.
- 41) Ramalingegowda, S, Y. Yu, (2012), "Institutional ownership and conservatism", *Journal of Accounting and Economics*, 53, 98–114.
- 42) Rickett, L.K, A. Maggina, P. Alam, (2016) "Auditor tenure and accounting conservatism: evidence from Greece", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 31 Issue: 6/7, 538-565.
- 43) Ruch, G. W., & Taylor, G. (2015), "Accounting conservatism: A review of the literature", *Journal of Accounting Literature*, 34, 17–38.
- 44) Song, F. (2015), "Ownership structure and accounting conservatism: A literature review", *Modern Economy*, 6, 478–483.
- 45) Venkatesh, P. C; R, Chiang, (1986), "Information Asymmetry and the Dealer's Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements", *The Journal of Finance*, 41(5), 1089-1102.
- 46) Watts, R. (2003), "Conservatism in Accounting, Part I: Explanation and Implication", *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.
- 47) Xia, D; S, Zhu (2009), "Corporate Governance and Accounting Conservatism in China", *China Journal of Accounting Research*, Vol 2 Issue 2, 81-108.
- 48) Zeyun Chen, J; G.J, Lobo; Y, Wang; L, Yu, (2013), "Loan collateral and financial reporting conservatism: Chinese evidence", *Journal of Banking & Finance*, 37 (1): 1-17.